نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره۲۲، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۳۵ تا ۵۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵ – تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

بررسی نظام مالی دیوانی مسلمانان از آغاز تا پایان عصر ساسانیان

| مریم شهامت رزی[1] | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور واحد کرج، البرز، ایران.
| لیلا ظریفی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور واحد اشتهارد، البرز، ایران.
| قربان سام دلیری | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور واحد کرج، البرز، ایران
| فهیمه تک ناز | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور واحد هشتگرد، البرز، ایران.

چکیده

در این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی است در صدد آن هستیم که نشان دهیم چگونگی مواجهه فاتحان عرب با نظام مالی ایران که دارای سابقه و نظام مند بوده است ؟میتوان گفت تسامح خلفای اسلامی با نظام مالی ایران و تاثیر پذیری دستگاه خلافت ازنظام مالیاتی ایران عصر ساسانی که موضوع مورد بحث در این تحقیق می باشد، مسلمانان پس از فتح ایران و حاکمیت بر قلمرو وسیع ساسانیان، با نظام عریض و طویل نظام دیوانی ایرانی روبه‌رو شدند. از آنجا که مسلمانان تا این زمان، سابقه مملکت‌داری چندانی نداشتند، برای اداره این قلمرو گسترده، ثبت و ضبط اموال و همچنین خراجی که از سرزمین‌های مفتوحه به بیت‌المال می‌رسید به تجربیات چند صد ساله دیوان سالاران ایرانی نیازمند شدند.

مسلمانان پس از فتح ایران و حاکمیت بر قلمرو وسیع ساسانیان، با نظام عریض و طویل نظام دیوانی ایرانی رو به رو شدند. از آنجا که مسلمانان تا این زمان، سابقه ی مملکت داری چندانی نداشتند، برای اداره ی این قلمرو گسترده، ثبت و ضبط اموال و غنایم و همچنین خراجی که از سرزمین های مفتوحه به بیت المال می رسید به تجربیات چند صد ساله ی دیوان سالاران ایرانی نیازمند شدند. در این مقاله چگونگی آشنایی مسلمانان با نظام دیوانی ایرانی در پایان عهد ساسانیان، اخذ آن توسط مسلمانان و نیز میزان تاثیرگذاری نظام دیوانی ایرانی بر نظام دیوانی خلافت اسلامی تا اواخر قرن اول هجری بررسی شده است.

واژگان کلیدی: مالی دیوانی، ساسانیان، عصر اموی، مالیات، بیت المال.

---

[1] نویسنده مسئول: shahamatmrs@gmail.com

مقدمه

می توان دریافت که تا پیش از سده ششم میلادی بستن مالیات نظم خاصی نداشت. زیرا تا آن زمان مسّاحی زمین انجام نمی گرفت. مساحت های گرفته شده را در فهرست پیمایش واردکردند و فهرستی از پاره های زمین که مشمول مالیات بودند، فراهم ساختند. مالیات را بر اساس آن چه در زمین کشت می شد، می گرفتند وآن را بر اساس پول محاسبه می کردند و به جنس یا به نقد می گرفتند .نظام جدید مالیات ثابتی را براساس میانگین برداشت چند ساله برقرارکرد و درسال، سه بار می گرفتند.که مورد استقبال مردم قرار گرفت. به گونه ای که انوشیروان را به سبب این اصلاحات در تاریخ «عادل» لقب دادند .هنگامی که اعراب مسلمان بر مدائن پایتخت دولت ساسانی و بر همه ی عراق دست یافتند و دیوان خراج و مجموعه نظام مالی ایران را دراختیار گرفتند، خود را با سازمانی منظم وتا حدی پیچیده روبرو یافتند که تصرف در آن را نه در حد توانائی خویش دیدند و نه به مصلحت خویش یافتند. به همین سبب و به حکم ضرورت در نظام موجود تصرفی نکردند و به جای آن سنت خویش را که تقسیم اراضی مفتوحه بود، تغییردادند و برای خراج آن جا هم عمر(رض) همان نهاده هائی را پذیرفت که خسرو انوشیروان نهاده بود .این اقتباس تا بدان حد بود که کل نظام مالیاتی دوران امویان و اوایل دوره عباسیان بر شالوده ای که آخرین شاهان ساسانی ریخته بودند، استوار بود .این روش براساس تولید زمین، نه تنها کهنه و قدیمی شده بود، بلکه غیرعادلانه نیز بود. زیرا ارزیابی محصول پیش از برداشت آن انجام می گرفت و این امر سبب می شد که روستائیان تا رسیدن محصلان مالیاتی منتظر بمانند وگهگاه بواسطه تاخیرآنان محصول تباه می گشت .در دوره ی بعد که با پیمایش زمین در زمان قبادآغاز شد و در پادشاهی خسرو انوشیروان به پایان رسید، زمین ها را مساحی کردند .یکی از این تغییرات، تقسیم اراضی مفتوحه بین فاتحان بود که چون با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شد، عمر به پیشنهاد و همفکری حضرت علی؟دستور داد تا از تقسیم اراضی صرف نظر شود و زمین‌ها همچنان در اختیار صاحبان آنها باقی بماند و از آنها خراج سالیانه دریافت شود. به عبارت دیگر، دیوان خراج و مالیات‌ها بر همان وضعی باقی ماند که پیش از اسلام بود. عمر برای خراجِ آنها همان نهادهایی را پذیرفت که خسرو انوشیروان بنا نهاده بود. بر این اساس، نخستین اقدام سعد بن ابی‌وقاص، فاتح قادسیه نیز واگذاری مسئولیت گردآوری خراج منطقه سواد به دهقانان آن منطقه بود. دهقانان در عهد ساسانی مسئولیت گردآوری خراج نواحی مختلف ایران را بر عهده داشتند، اما این بار به جای دولت ساسانی، از سوی دولت اسلامی متعهد به جمع‌آوری خراج شدند .بدین‌سان، بی‌آنکه در اساس به نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی خللی وارد آید به دولت نوپای اسلام انتقال یافت. اثر آنی و فوری این اقدام، حفظ وضع موجود و جلوگیری از آشفتگی در فرایند گردآوری خراج و کاهش عایدات بود. شاهد این مدعا اینکه در همان سال نخست که عمر سواد را به تصرف در آورد، مبلغ خراجی که از آنجا دریافت کرد با آنچه پیش از آن به وسیله پادشاهان ایران وصول می‌شد چندان تفاوتی نداشت. پس از آن عمر هیئت‌هایی را برای تحقیق در مورد مساحت و تعداد مزارع و املاک به منطقه سواد فرستاد. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج۲: ۱۴۸).

خراجی که مسلمانان از این اراضی می‌گرفتند ابتدا فقط شامل زمین‌هایی می‌شد که محصولات آنها غلات یا بعضی محصولات معین دیگر، مثل خرما، انگور، زیتون و یونجه بود. چون از محصولات دیگر چیزی اخذ نمی‌شد، به تدریج روستاییان سعی کردند چیزهایی را کشت کنند که محصول آنها مشمول خراج نبود. این نکته سبب شد که قسمتی از اراضی مزروعی سواد، مدتی از مالیات معاف بماند و وقتی در سال ۲۲ ق مغیرهٔ بن شعبه حاکم کوفه، خلیفه را متوجه این نکته کرد، از این رو مقررات تازه‌ای در این باب وضع شد و در پی آن نه‌تنها از محصولات دیگر، مثل ماش، شبدر و کنجد مالیات وصول شد، بلکه برای اراضی لم‌یزرع که زراعت آنها در واقع عمداً یا برای آمادگی مجدد جهت کشت متروک می‌شد نیز مالیات معین شد. گذشته از این اراضی که در دست دهقان‌ها و مالکان سابق ماند، بعضی از اراضی و املاک هم به خانواده سلطنتی ساسانی یا کسانی متعلق بود که در جنگ‌ها کشته یا متواری شده بودند. این اراضی هم هر چند در عمل غالباً در دست روستاییان و کشاورزان سابق باقی ماند، اما در واقع، خالصه امام بود و خلفا آنها را به عنوان «صوافی» در اختیار خویش داشتند و گاهی به شکل اقطاع به این و آن می‌دادند .فتح ایران به دست مسلمانان به مجموعه حملاتی به امپراتوری ساسانی در قرن هفتم میلادی اشاره دارد که از سال ۶۳۳ میلادی در زمان خلافت ابوبکر شروع شد، در زمان عمر به اوج خود رسید و در زمان عثمان منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی (مطابق با سال ۳۰ هجری قمری) و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان، گردید. (انصاف پور، ۱۳۵۶: ۱۳).

مبانی نظری

بیت المال

ین واژه در لغت به مکان حفاظت از اموال، اعم از عمومی و خصوصی، اطلاق می‌شود؛ اما در اصطلاح، تعبیر «بیت مال المسلمین» در صدر اسلام برای مکانی که در آن اموال عمومی و منقول دولت اسلامی به کار می‌رفت، سپس تعبیر «بیت المال» جانشین آن شد و همان معنی را افاده کرد. بتدریج، بر »اموال عمومی مسلمانان» نیز همین لفظ اطلاق شد که مشتمل بود بر وجه نقد، اشیای منقول، اراضی و غیر اینها. مراد از مال عمومی، هر مالی است که در سرزمین اسلامی ملک همه مسلمانان شمرده شود . (انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۷۸).

پس از تأسیس نهاد بیت المال و برقراری دیوان‌های اداری، بیت المال به صورت مؤسسهٔ مالی ناظر بر درآمدها و مصارف دولت اسلامی درآمد و از آن پس نیز، همان مالیهٔ نظام اسلامی بود .جزیرهٔ العرب قبل از اسلام دولت واحد و نظام مالی خاص نداشت و نظام و عرف قبیله‌ای بر آن منطقه حاکم بود. پس از انتشار دعوت اسلام و پیشرفت آن، پیامبر(ص) به سازماندهی و تنظیم شئون اداری ـ مالی حکومت اسلامی پرداخت. اولین درآمدهای این حکومت غنایمی بود که در غزوات به دست مسلمانان می‌افتاد و به دستور پیامبراکرم (ص) بین همهٔ مسلمانان تقسیم می‌شد، که از آن جمله بود غنایم غزوهٔ بدر و غزوهٔ بَنی قَینُقاع .در زمین‌های بنی نضیر، اولین غنایم غیرمنقول بود که در سال چهارم در اختیار مسلمانان قرار گرفت و بین مهاجران تقسیم شد. سپس در سال هفتم

هجری، اهل فدک با پیامبر (ص) نسبت به سرزمین‌هایشان مصالحه کردند؛ نصف آن به عنوان «فیء» به شخص پیامبر(ص) رسید و نیمهٔ دیگر بین مسلمانان تقسیم شد. علاوه بر غنایم، جزیه و زکات نیز جزو درآمدهای دولت اسلامی بود و پیامبر(ص) در تمام این موارد آنها را تقسیم می‌کرد و به متصدیان گردآوری زکات نیز امر می‌فرمود که زکات را بین مستحقّان تقسیم کنند. لذا در آن عصر اموال زیادی گرد نمی‌آمد که نیاز به حفظ و محاسبه داشته باشد .(دینوری، ۱۳۶۶: ۱۹۸).

نظام مالی و اداری

در زمره موضوعاتی است که به دلایلی مانند کمبود اسناد، مدارک تاریخی و منابع تحقیقی کمتر مورد توجه محققان مسائل دوره صفویه قرار گرفته است. شمار چنین تحقیقاتی نیز به مراتب کمتر از بررسی ها در زمینه تشکیلات اداری و مالی می باشد. مسئله پژوهش حاضر فهم کاربرد و جایگاه اقتصادی اصطلاحات مالی ایران عصر صفویه است. اصطلاحات مالی عصر صفوی در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دستگاه مالیاتیِ ایران عصر صفوی با برخورداری از یک نظام سلسله مراتبی، بر قریب به اکثریت زمینه های اقتصادی و درآمدزای جامعه عصر خود نظارت داشته است. چنین نظارتی به وسیله حضور و فعالیت کارکنان و عمّال حکومتی در مراتب و درجات مختلف دیوان سالاری ممکن می شد. همچنین بخش زیادی از اصطلاحات مالیْ مختص نظام اقتصادی شهری بود. حوزه هایی چون مشاغل و مواجب دیوان سالاری، هزینه های تشریفات درباری، پیشه های بازاری و اصناف، امور نظامی و لشکری و راهداری و گمرک از مهم ترین حوزه های اقتصادیِ شهری آن عصر بودند که اصطلاحات مالی و مالیاتی آن ها به همراه میزان مخارج یا دیگر هزینه هایشان در دفترهای دیوان استیفا به ثبت می رسید. دو جامعه روستایی و کوچ نشین نیز با توجه به کارکرد اقتصادی خود، بخشی از اصطلاحات مالی را که شامل مالیات های مربوط به کشاورزی، دامداری و تأمین نیروی نظامی بود به خود اختصاص می دادند. پژوهش در امور مالیو اداری در زمره موضوعاتی است که به دلایلی مانند کمبود اسناد، مدارک تاریخی و منابع تحقیقی کمتر مورد توجه محققان مسائل دوره صفویه قرار گرفته است. شمار چنین تحقیقاتی نیز به مراتب کمتر از بررسی ها در زمینه تشکیلات اداری و مالی می باشد. (انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۲۰۵-۲۰۳).

نظام اومور مالی و دیوانی قبل از اسلام و آشنایی اعراب با شیوه کشورداری ساسانیان

پس از آنکه مال‌ها و غنیمت‌های به دست آمده از جنگ با ایرانیان زیاد و اموال بیت‌المال افزون شد، عمر تصمیم گرفت که بر اساس سبقت مردم در اسلام و یاری کردن پیغمبر؟ در جنگ‌ها و همچنین نزدیکی به پیغمبر؟ برای آنها عطایایی قرار دهد و اگر انصار و مهاجران از حیث نزدیکی به پیغمبر؟ برابر بودند، آن را که پیش‌تر اسلام آورده بود، مقدم داشت. با این اوصاف به نظر می‌رسد اولین دیوانی که در زمان عمر تأسیس شد دیوان خراج یا استیفا بود، زیرا وی خراج کشور

فتح شده ایران را بین مسلمانان تقسیم کرد و اسامی گیرندگان خراج را در دیوانی موسوم به این دیوان ثبت نمود.روایتی دیگر در دست است که به تأسیس دیوان جیش در زمان عمر اشاره دارد . حتی بعضی معتقدند اولین دیوانی که در زمان عمر بنیان گذاشته شد دیوان جیش بود. بر اساس این دیدگاه، فردی به عمر پیشنهاد می‌کند تا سلاح‌ها و عطایا و غنایمی را که در اختیار سربازان قرار می‌دهد در دیوانی ثبت کند. عمر نیز پیشنهاد او را پذیرفت و دیوان جیش را به وجود آورد. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۵۲۳).

هم‌چنین برخی عمر را بنیان‌گذار بیت‌المال نیز دانسته‌اند، این در حالی است که عمر در زمان خلافت ابوبکر مسئولیت بیت‌المال مسلمانان را به عهده داشته است. به نظر می‌رسد که بیت‌المال در زمان خلافت ابوبکر بنیان گذاشته شده، ولی فاقد حساب و دفتر بوده است و عمر نخستین حاکم اسلامی بوده که برای بیت‌المال حساب و کتاب قرار داده است.عمر در کار ترتیب دیوان، مشاورانی نیز داشت، از جمله علی بن ابی‌طالب ?که عمر را به تقسیم مال بین مردم تشویق می‌کرد و معتقد بود که ذره‌ای از اموال بیت‌المال نباید در آن باقی بماند. دیگری عثمان بود که او را به شمارش مال‌ها و مشخص کردن مال گرفته از نگرفته راهنمایی می‌کرد. دیگری ولید بن هشام بن مغیره بود که عمر را تشویق می‌کرد دیوان و سپاه را بر اساس الگوی شام ترتیب دهد. (انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۲۰۳).

بدین ترتیب، عمر ثروت بیت‌المال را در قالب عطا، بخشش و سهم مردم از بیت‌المال بر حسب تقدم اسلام آوردن و حاضر بودن در نبردها بین آنها تقسیم کرد. این در حالی است که در زمان پیامبر؟، لشکریان درجه و مرتبه معینی نداشتند و از غنایم، چهار پنجم به لشکریان می‌رسید و یک پنجم به پیامبر؟ .در دوره ابوبکر نیز همگان، یعنی رزمنده و غیر رزمنده در گرفتن عطا برابر بودند. وی معتقد بود که در معاش برابری بهتر از امتیاز است. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج۲: ۱۶۹).

چون عطایا و اموال بین مردم تقسیم شد روزی ابوسفیان نزد عمر رفت و او را یادآور شد که مقرر کردن عطایا و اموال بیت‌المال برای مردم موجب می‌شود تا مردم دیگر به تجارت نپردازند و به این مقرری‌ها و عطایا دل خوش کنند و در نتیجه، تجارت با رکود روبه‌رو شود. عمر پاسخ داد: از این کار، گریزی نیست زیرا غنایمی که به دست آمده بسیار زیاد است. این مسئله نشان می‌دهد که مسلمانان پس از فتح ایران به چه ثروت انبوهی دست یافته بودند که کار و کسب را رها کرده و دلخوش به عطایا بودند، در صورتی که تا پیش از این، مسلمانان روزگار خود را با تنگ‌دستی می‌گذراندند. (سامانی، ۱۳۸۴، ص۱۱۳).

عمر همواره به دبیران و عاملان خویش در ولایات توصیه می‌کرد که

کار امروز را به فردا موکول نکنند، چون در این صورت با حجم انبوه

کارها روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند به رتق و فتق امور بپردازند. در زمان

عمر فقط یک نویسنده، نامه‌های رسمی را می‌نگاشت و در عین حال، حسابداری هم به عهده او بود و درآمد و هزینه را در دفتر محاسبات قید می‌کرد و

حقوق سپاهیان و مأموران کشوری و قاضیان را می‌پرداخت. اما به مجرد اینکه دولت اسلامی توسعه یافت، همان یک دیوان (مراسلات و محاسبات) به چندین شعبه تقسیم شد:

۱. دیوان خراج، مخصوص درآمدهای مربوط به جزیه و مالیات زمین و محصول؛

۲.دیوان زمام، معادل سازمان بارزسی کل کشور با شعبه‌هایی در تمام شهرها که بعدها «زمام الازمه» نام گرفت و مخصوص محاسبات لشکری بود؛

۳. دیوان نفقه، مخصوص محاسبات کشوری؛

۴.دیوان معادن و اقطاع، مخصوص املاک دولتی و معدن‌ها؛

۵. دیوان جند، مخصوص ثبت اسامی لشکریان و درجات آن.

و از همین دیوان اخیر، چند دیوان دیگر، مانند دیوان یا اداره نیروی دریایی و اداره امور مرزی و غیره پدید آمد. همچنین دیوانی برای ارسال مراسلات تعیین شد که آن را دیوان رسایل و انشاء می‌گفتند.اگر چه در زمان خلفای راشدین یکی از دیوان‌ها خزانه‌داری کل محسوب می‌شد و تمام درآمدهای مختلف در آنجا گرد می‌آمد، اما در زمان امویان و عباسیان برای هر نوع درآمد، یک خزانه‌داری جداگانه تشکیل شد. تاریخ روایتگر مناسبی است که به ما نشان می دهد یکی از مواردی که سلاطین و دولتهای جهان در اعصار مختلف در خصوص آن به چاره اندیشی پرداخته اند، مسئله بدست آوردن منابع مالی بوده است تا از آن رهگذر بتوانند با خرج آن اهداف و دیدگاههای خود را در سطح جامعه پیاده نمایند .اصولا هرکس که می خواهد نظام یا تشکیلات اجتماعی را سازمان دهی کند باید برای رسیدن به اهداف خود برنامه ریزی صحیحی جهت کسب منابع مالی و خرج کردن به طور مناسب برای جامعه نمایند. اینک با در نظر گرفتن این واقعیات باید گفت بسیار بعید به نظر می رسید اسلام که خود را دین و دولت معرفی کرده و در ارکان خود سه بخش عبادات، معاملات اعم از اقتصاد و سیاست و احکام را مطرح نموده برای این مسئله فکری ننموده و منابعی را در نظر نگرفته باشد. (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۲۰۸).

بی شک شرایط و ضرورتهایی که در عرصه حکومت بوجود می آید و نشیب و فرازهایی که در بستر زمان و مکان و مقتضیات تصمیم گیری ظاهر می شود، قطعا وظایف دولتها در نحوه بهره گیری از اموال عمومی متناسب با نیازها و ضرورتهای هر مقطع زمانی خواهد بود. آنچه اجمالا از منابع اسلامی بدست می آید این است :

اولا: مسوولیت فعالیتهای اقتصادی و تولیدی که از ناحیه مردم انجام می گیرد به عهده خودشان است، لذا این مردم هستند که مالک دسترنج و حاصل زحمات خود می باشند (در صورتیکه از طرق مشروع بدست آمده باشد) منتهی حقوق عمومی که تحت عناوین زکات، خمس، مالیات و. . . قرار دارد، باید بپردازند .(محمدی‌ملایری، ۱۳۷۵، ج۵: ۱۵۸).ثانیا: دولت سیاستگذار و ناظر و حمایت کننده و در عین حال تامین کننده امنیت جامعه است، دولت از طریق ایفاد مسوولیت خود که با مدیریت صحیح انجام می گیرد باید بستر فعالیتهای مختلف را فراهم نماید، گرچه در موارد ضرورت، یا منابع استراتژیک دولت خود به فعالیتهای مورد اشاره اقدام می نماید.(انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۴۳).

ثالثا: از جمله وظایف دولت توزیع و هدایت منابع و اموال عمومی و منابع طبیعی قبل از تولید است. این دولت است که با هدایت صحیح و راهبردهای اساسی و کارآمد نقش اصلی خود را در هدایت منابع درآمد و اموال عمومی انجام می دهد .از این رو زمینه های مناسب برای رشد و توسعه و تامین نیازهای اجتماعی، با توجه به اولویت، آنها را فراهم می نماید .طبق متون تاریخی، در ایران نخستین‌بار در زمان داریوش بزرگ بود که نظام پرداخت مالیات بر پایه‌ی نظم و ترتیب قرار گرفت و پرداخت‌کنندگان مالیات موظف شدند مالیات خود را براساس فرمان‌های شاه پرداخت کنند(بریان، ۱۳۸۱: ۶۰۸).

از نظام مالیاتی ایران، بیشترین اطلاعاتی که موجود است مربوط به دوره‌ی انوشیروان و اصلاحات اوست و چنانچه از منابعی مثل طبری، کریستن‌سن و شیپمان برمی‌آید، اصلاحات انوشیروان پس از سامان‌دهی به اوضاع و قائله‌ی مزدک شکل گرفت..در این دوره، در درجه‌ی اول لازم بود در اصول خراج در ایران تجدید نظر شود چراکه اسلوب قدیم فی‌نفسه روشی کهنه و مهجور شمرده می‌شد و حوائج دولت را بر نمی‌آورد (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۱۰۳).

به‌طور کلی، روش اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم در زمان ساسانیان، کشت و برز و کشاورزی بود(دریایی، ۱۳۸۳، ۱۱۸) .شیوه‌ی تولید و تامین عایدات این دولت را می‌توان براساس پنج اصل به حساب آورد:

۱. زمین و کشت.

۲. صنایع و تجارت.

۳. باج شخصی یا باج سرانه.

۴. غنائم جنگی.

۵. سایر عایدات شامل هدایایی که در اعیاد گوناگون از شاهان محلی دریافت می‌شد (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۹۱، ۲۵۴).

درآمد دیگردولت ساسانی معادن طلا به‌خصوص معادن طلای فارانژیون در ایالت پرس ارمنی و همچنین عوارض گمرکی که به‌نام مکس و عشور معروف بود میباشد (کریستن‌سن، ۱۳۱۷: ۱۸۶).

نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی و نگرشی بر دلایل پیروزی سپاهیان اسلام

با پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه (سال ۱۴هـ . ق)، علاوه بر سقوط پایتخت ـ به‌ظاهر تسخیرناپذیر ـ شاهنشاهی ساسانی، شهرها و مناطق مرزی ایران یکی پس از دیگری در مدت کوتاهی به تسخیر لشکریان اسلام درآمد. مسلمانان، به دنبال سپاه ایران خود را به مدائن رساندند و مدتی طولانی این منطقه را در محاصرهٔ خویش گرفتند. تلاش‌های یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، سودی نداشت. مردم نیز، که از اوضاع سخت و نابسامان محاصره به‌تنگ آمده بودند، به مصالحه با لشکر اسلام تن دادند. در نتیجه، تیسفون پایتخت زمستانی ساسانیان سقوط کرد و با این واقعه، صدای انقراض امپراتوری ساسانی در سراسر ایران طنین‌انداز شد.پس از پیروزی

درخشان نیروهای اسلام در قادسیه، دولت ساسانی در جبهه‌های جلولا و نهاوند مقاومتی از خود نشان داد. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳ج۱: ۱۸۸)

اولین منطقه‌ای که اعراب در داخل خاک ایران فتح کردند، «سوق‌الاهواز» بود .هرمزان، مرزبان خوزستان، پس از آنکه به تحریک یزدگرد، عهدنامهٔ صلح مسلمانان و پیروز (دهقان اهواز) را نقض کرد، با آنان به جنگ پرداخت؛ لیکن شکست خورد و ایرانیان مجبور شدند تحت شرایط معاهدهٔ قبلی، دوباره با ابوموسی اشعری فرماندهٔ مسلمانان صلح کنند. یزدگرد گمان می‌کرد مسلمانان به دشت‌های منطقهٔ خوزستان قناعت خواهند کرد، ولی با پیشروی اعراب، با نامه و پیام از سردارانش درخواست کرد تا او را برای نبرد نهایی یاری کنند. (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۵۶).

به گفتهٔ مورخان، مقاومت برجسته و قابل ملاحظهٔ دیگری در مسیر فتوحات مسلمین پدید نیامد؛ مردم شهرها یا در مقابل فاتحان مقاومت نمی‌کردند و یا با اندکی مقاومت، تسلیم شده و میان اسلام آوردن و پرداخت جزیه مختار بودند. در نتیجه، دیگر نبرد منظمی میان ارتش ساسانی و سپاه مسلمانان رخ نداد. با فتح نهاوند و همدان توسط مسلمانان (۲۱ هـ.ق)، شرایط مناسب برای تسخیر تمام ایران فراهم شد و نقاط مختلف یکی پس از دیگری به تصرف سپاه اسلام درآمد؛ به گونه‌ای که تا سال ۳۱ هجری، مسلمانان تا سواحل آمودریا (شرقی‌ترین مرز ایران) پیش رفتند. پیشروی لشکریان اسلام در مناطق مرکزی، سرعت چشمگیری داشت و در کمتر از یک دهه، تمام سرزمین ایران ـ به جز طبرستان، دیلمان و برخی نواحی مرزی ـ تحت سیطره سیاسی مسلمانان درآمد. در برخی شهرها مانند فارس و آذربایجان، که از دیرباز مراکز دینی ساسانیان بودند. (حاتمی‌منش، ۶۶:۱۳۷۸).

درواقع دلیل این امر، این نکته بود که ایرانیان نسبت به ماموران عرب امین‌تر بودند، چنان که عبیدالله بن زیاد ولایت‌دار عراق که می‌دید با تصدی حکام و اعراب مشکلاتی به‌وجود آمده، تصمیم گرفت که عاملان عرب را به عاملان پارسی تبدیل کند و از آن پس دهقانان و زمین‌داران پارسی مامور دریافت خراج شدند (ابراهیم‌حسن، ۱۳۹۵: ۲۵۴).

نخستین فردی که در دوره‌ی اسلامی به سازمان مالی تقریبا نظم بخشید، عمر بن خطاب بود. او با استفاده از تنظیمات محلی در سرزمین‌های مفتوحه و مقداری تعدیل برای مطابقت دادن سازمان‌های محلی با مبادی اسلام، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. در مورد این مطالب که چه عاملی سبب تاسیس دیوان و ایجاد تشکیلاتی برای کنترل دخل و خرج مسلمانان شده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی براین عقیده‌اند که علت تشکیل دیوان، زیاد شدن مال بوده است. (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۳).

واما طبق برخی گزارش‌های دیگر ابوهریره عامل عُمر در بحرین، به هنگام بازگشت به مدینه اموال زیادی به مدینه آورده بود و پس از گزارش کار خود، خلیفه را در جریان اموال آورده شده، قرار داد. عمر از کثرت آن تعجب نمود و حتی خیال کرد که شاید این اموال از راه غیرشرعی و ظلم و ستم از مردم گرفته شده است، ولی وقتی ابوهریره قسم یاد کرد که اموال طبق موازین شرعی جمع‌آوری شده است، عُمر از حاضران در مسجد، در خصوص مصرف آنها سوال کرد. مردی به

خلیفه گفت که ایرانی‌ها برای اموال خود و مصارف آن دفترهایی دارند که دیوان نامیده می‌شود و در آن، اموال، عطایا و مخارج را ضبط می‌کنند. (جعفریان، ۱۳۶۸: ۱۸۲
تشکیل دیوان در سال ۲۰ هجری به انجام رسید و دفاتر نوشته شد و اسامی مردم به حسب قرابت به رسول خدا(ص) و سابقه در اسلام در دفاتر ثبت شد. این دیوان دارای چند بخش بود:

۱. امور لشکری
۲. حقوق و رسوم و کارها
۳. امور کارگزاران

بیت المال (برخی منابع گفته‌اند این دیوان، دیوان «الجند» نام داشت و در مورد آن گفته‌اند: «دیوان جند مشتمل بر تمامی اهالی مدینه، یعنی نیروهای شرکت‌کننده در فتوحات و مهاجرانی که به همراه خانواده‌هایشان به پادگان‌های ولایات پیوسته بودند، می‌شد. نام برخی موالی نیز در این دیوان ثبت شده بود ولی این کار دوام نیافت. همراه اسامی افراد، پرداخت‌ها و میزان آن هم ذکر می‌گردید»(رفیعی‌محمدی، ۱۳۸۴: ۴۴).
بی‌شک، نظام مالیاتی که در تشکیلات خلافت اسلامی در این عهد به وجود آمد، از مقررات و قوانین حاکم برجوامع سرزمین‌های فتح شده تاثیر پذیرفته بود و «دواوین» پیشین به‌عنوان مرجعی قابل‌اعتماد مورد استفاده بود. مثلا الگوی خراج که در نظام مالیاتی اسلامی براساس آن عمل می‌شد، به‌طورکلی (به تصریح مآخذ اسلامی) از سیستم مالیاتی امپراتوری ساسانی پیروی می کرد، زیرا این سیستم در ایران سابقه‌ای طولانی داشت و او در گرفتن مالیات به‌جز در برخی از امور دقیقا شیوه‌ی مالیات‌گیری انوشیروان را رعایت نمود (طبری، ۱۳۶۲، ج۲: ۷۰۳).
عمر با تشکیلات منظم دیوانی تمام منطقه‌ی مفتوحه را که از لحاظ سالی و خراجی از زمان انوشیروان به این سو مساحت نشده بود از نو مساحت کرد و نسبت به تغییراتی که در آنها بود تجدیدنظر کرد(الریس، ۱۳۷۳: ۱۲۱). او حتی فرمان مساحی کل سرزمین‌های اسلامی را صادر کرد و براساس آن مالیات ثابتی برای آنها تعیین شد(ابن‌خرداذبه، ۱۳۷۰: ۱۳)
به هر حال، عمر بن خطاب با دسته‌بندی اراضی مفتوحه و وضع خراج و مقرر نمودن جزیه بر اهل کتاب، ساختمان تنظیمات مالیه اسلامی را به وجود آورد که بعد از او هم به آن عمل شد. درواقع عمر اولین کسی است که دیوان را در اسلام تشکیل داد و برای افراد مقرری تعیین کرد(جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۳۹).
بر این اساس، نخستین اقدام سعدبن ابی‌وقاص، فاتح قادسیه نیز واگذاری مسئولیت گردآوری خراج منطقه سواد به دهقانان آن منطقه بود. دهقانان در عهد ساسانی مسوولیت گردآوری خراج نواحی مختلف ایران را بر عهده داشتند، اما این بار به جای دولت ساسانی، از سوی دولت اسلامی متعهد به جمع‌آوری خراج شدند. به این‌سان، بی‌آنکه در اساس به نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی خللی وارد آید به دولت نوپای اسلام انتقال یافت. (حاتمی‌منش، ۱۳۸۷: ۱۳). به عقیده‌ی برخی، نکته‌ی جالب این است که عمر نه‌تنها در مورد مالیات ارضی بلکه در مورد جزیه که حکم کلی آن در قرآن آمده است نیز از مقررات انوشیروان پیروی می‌کرد(سپهری، ۱۳۹۰: ۷۱).

گاهشمار ایرانی نیز که گردآوری خراج براساس آن صورت می‌گرفت، همچنان دست نخورده به عصر اسلامی انتقال یافت، زیرا ملاک عمل در دیوان خراج همان گاهشماری بود و جایگزینی هم نداشت. (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

اصلاحات اقتصادی، مالی در زمان حضرت علی (ع) از منر بینش قرآنی

اصلاحات اقتصادی آن حضرت در نظام اقتصادی را باید در دو محور پی گرفت؛ یکی اصلاح بینش‌ها و دیگری اصلاح منش‌ها و رفتارها .در هر دو زمینه نیز ابتدا باید انحرافات را پیش از حکومت آن حضرت، تشخیص داد و پس از آن به بیان اقدامات اصلاحی ایشان پرداخت.پس از وفات پیامبر(ص) تا زمانی که امام علی(ع) زمام حکومت را به‌دست گرفتند دو انحراف اساسی رخ داد که آن حضرت تمام سعی و تلاش خود را بر اصلاح این دو انحراف، صرف کردند. اول انحراف در بینشهای اقتصادی بود. در بینش مسلمانان به‌جای آنکه آخرت اصل و هدف و دنیا فرع و وسیله باشد، مسئله برعکس شده بود. مردم به دنیا روی آورده و آخرت را فراموش کرده بودند. دنیا بیش از آخرت دلهای آنها را تسخیر کرده بود. (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۹۱، ۲۹۰).

انحراف دوم انحراف منش‌ها و رفتارهای مردم و کارگزاران از الگوهایی بود که پیامبر(ص) آن الگوهای رفتاری را در قالب و دستورات شریعت برای دستیابی به اهداف مورد نظر اسلام به‌ویژه تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، معرفی کرده بودند. (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۱۳).

از سویی انفاق و صدقه و وقف در بین مردم کاهش یافته بود. حضرت برای اصلاح رفتارهای مردم از سویی مردم را با زبان به انفاقات و صدقات و اعمال خیر تشویق می‌نمود و از سوی دیگر با عمل خود مردم را به این کارها فرا می‌خواندند. همچنین برای تحقق عدالت و توزیع عادلانهٔ فرصت‌های شغلی و درآمدها و بیت‌المال، اقدامات اصلاحی حضرت چنین بود:

۱-تعویض کارگزاران و روی کار آوردن افراد صالح

۲. جلوگیری از انحراف کارگزاران

۳.بازگرداندن اموال بیت‌المال

۴.تقسیم اموال بیت‌المال بین مردم به نحو تساوی

۵.تعجیل در تقسیم بیت‌المال(دینوری، ۱۳۶۶: ۸۶-۸۵).

درمجموع همان‌گونه که انوشیروان از هفت گونه محصول خراج می‌گرفت، ازجمله نخل و مو، در دوره‌ی اسلامی نیز از این دو محصول خراج می‌گرفتند و نیز همانند انوشیروان که در مالیات‌گیری زمین طبق جریب و اندازه‌گیری اراضی و آمارگیری از درختان میوه و خرما عمل می‌کرد، در دوره‌ی اسلامی نیز از این شیوه‌ها استفاده شد، ولی به زعم عده‌ای از مورخان، در نرخ خراج و جزیه افزایش داده شده و اولین کس عمر بن خطاب بود که این افزایش را انجام داد. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۲).

درباره‌ی میزان خراج در دوره‌ی عمر بن خطاب و در سرزمین عراق گفته شده که او از هر جریب گندم‌زار، چهار درهم، و جوزار دو درهم، و از نخل، هشت درهم، تاک شش درهم می‌گرفته است

(مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۵). درحالی‌که در دوره‌ی انوشیروان از هر جریب گندم‌زار یک درهم، و جوزار نیز یک درهم، و از هر چهار اصله نخل اصیل یک درهم برای نخل‌های پست‌تر از هر شش نخل یک درهم اخذ می‌شده است(دنت، ۱۳۴۵: ۵۶)

و نیز نخستین کسی که عشور را وضع کرد عمر بود. ازجمله صدقاتی که بر مسلمانان واجب است صدقات عشر است که عبارت است از محصول زراعت و اراضیِ متعلق به مسلمانان. بعد از فتوحات مسلمانان در عراق، شام و دیگر مناطق، زمین‌هایی به علت کوچ ساکنانش یا علل دیگر به تصرف فاتحین درمی‌آمد که عمر آنها را صوافی می‌خواند چراکه آنها را به‌طور صاف و خالص مختص بیت‌المال می‌دانست(الریس، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

از زمان عمر تغییرات محدودی در شکل مسکوکات ایجاد شد. این تغییرات به این صورت بود که بعضی از خلفا، عباراتی عربی، اسلامی را به حاشیه‌ی سکه‌های امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی می‌افزودند که در نزد علمای سکه‌شناسی به سکه‌های عرب، ساسانی و عرب، رومی شهرت یافته‌اند. مورخان نیز سکه‌های ضرب شده در صدر اسلام که منقوش به نقوش ساسانی و رومی بودند و به شکل سکه‌های ساسانی و رومی ضرب می‌شدند را به‌عنوان درهم‌های کسروی و دینارهای قیصری می‌شاختند(حسینی‌مازندرانی، ۱۳۸۲: ۴۲).

سکه‌های عرب ساسانی اصطلاحی است که در ارتباط با سکه‌های مسی و نقره‌ای ضرب شده در زمان آغاز اسلامی است. این سکه‌ها مربوط به دوره‌ی حکام مسلمان خلفای اموی هستند که در مناطق تحت نفوذ ساسانیان حکمرانی می‌کردند. بیشتر سکه‌های عرب ساسانی از جنس نقره هستند. بر روی این سکه‌ها، به‌طور معمول، تصویری از شاه ساسانی و نوشته‌ی اندرزی همراه است. در سمت راست تصویر نام حاکم به خط پهلوی نوشته شده و در پشت سکه‌ها، آتشدان زرتشتی به همراه نگهبان آتش، در کنار آتشدان حک شده است. (گیزلن، ۱۳۸۱: ۷).

درواقع قدیمی‌ترین دینار شناخته‌شده‌ای که به مسلمانان نسبت داده می‌شود دیناری است که خالدبن‌ولید در سال ۱۵ هجری در شام ضرب کرد. این سکه مانند دینارهای رومی یک طرف آن دارای صلیب، تاج و چوگان بود و در طرف دیگر، به حروف یونانی کلمه‌ی خالد نقش شده است. (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

وقتی مسلمانان تصمیم گرفتند که سکه ضرب کنند، سکه‌های ایران تحت‌تاثیر موضوعات دین جدید قرار گرفت و سکه‌های عرب‌ساسانی پدید آمدند که به همان سبک سکه‌های ساسانی و با تغییراتی در نوشته‌ها و گاهی در تصاویر بودند. یعنی ترکیبی از طرح‌ها و نقش‌های ایرانی و عربی (قاسم‌یگلو، ۱۳۸۵: ۵۰).

در این سکه‌ها، مسلمانان بدون اینکه تصاویر پادشاهان ساسانی و محل و تاریخ ضرب آنها را بردارند نام خود و کلمات شهادتین را می‌افزودند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲). این درهم‌های عرب ساسانی در زمان خلفای راشدین و اوایل دولت اموی یعنی تا زمان حکومت عبدالملک بن مروان کاربرد داشتند (سامر، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

مسلمانان علاوه بر درهم‌های عرب‌ساسانی با دینارهای رومی نیز همان کار را کردند و دیناری شکل گرفت به‌نام عرب‌بیزانسی. این سکه‌ها نیز پس از فتح سوریه و فلسطین و در زمان عمر ضرب شده‌اند با ترکیبی از نقش اصلی سکه‌های امپراتوری بیزانس و نوشته‌های اسلامی به خط کوفی که معمولا بدون نام و تاریخ بودند (شمس‌اشراق، ۱۳۶۹: ۱۲۷).

عثمان منش اقتصادی یا نظام مالی شگرفی نداشت و به گواهی تاریخ در بذل و بخشش به خویشان خود دستی گشاده داشت و کارهای او به‌تدریج موجب به‌وجود آمدن قشری ثروتمند و مرفه در جامعه‌ی مسلمین گردید اختلاف طبقاتی را موجب شد. او معتقد بود که مال، مال خداست و خود را ولی مسلمین می‌شمرد لذا بیت‌المال را در هرجا که می‌خواست صرف می‌کرد. عثمان اموالی که به بیت‌المال می‌رسید را به مدت یک سال نگه می‌داشت و سپس به توزیع آن مبادرت می‌کرد. (میرمعزی، ۱۳۸۰: ۴۳).

همانطور که گفته شد با فتح ایران در زمان عمر و دست یافتن به مراکز دیوانی ساسانیان، الگوهای درست حکومت بر سرزمین‌های اسلامی به دست اعراب رسید و مهاجرت ایرانیان به دلیل مسلمان شدن یا دلایل دیگر کمک‌های بسیاری به اعراب کرد و در تحولات دیوانی اعراب بسیار فعال بودند اما در زمان عثمان تحولات دیوانی به دلیل اینکه دیوان‌های ساخته شده در دوره‌ی عمر، کفایت امورات و نیازهای مالی حکومتی را می‌کرد تقریبا متوقف شد اما شاید دلیل اصلی این توقف، گرایش مجدد به ساختار قبیله‌ای بود؛ چراکه انتخاب ماموران و حاکمان از میان اشراف قریش و روسای قبایل صورت می‌گرفت(جهشیاری، ۱۳۶۸: ۴۹).

بخشش‌های عثمان فاصله‌ی فقیر و غنی را افزایش داده بود به‌شکلی که خمس غنایم و مالیات و جزیه‌ای که از سرزمین‌های فتح‌شده گرفته می‌شد و طبق سنت پیامبر به همه‌ی مردم تعلق داشت، به عده‌ای خاص داده می‌شد. عثمان یک‌پنجم غنایم آفریقا را که حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دینار بود به مروان بخشید و به ابوسفیان هدایای ۲۰۰ هزار درهمی می‌داد و پس از مرگ عبدالرحمان‌بن‌عوف که برادرخوانده و داماد او بود یک‌هشتم ثروتش میان چهار همسر او تقسیم شد که به هر کدام ۸۰ هزار دینار تعلق گرفت(بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۶).سیاست اقطاعی او نیز زمین‌های سواد، بصره و مناطق حاصلخیز بسیاری را به تیول واگذار می‌کرد. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۴).

علی(ع) درباره اثرات مالیات در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی خطاب به مالک اشتر فرماندار مصر در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «امور مردم جز با سپاهیان، استوار نگردد و پایداری جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند.» (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴: ۹۱).

علی(ع) نظام مالی حکومت خود را براساس عدالت بنا نهاده بود و در تقسیم اموال، عرب را بر عجم و قریش را بر غیرقریش ترجیح نمی‌داد. در زمان او، با برقراری حکومت مستقل توسط معاویه، شامات از دست امام خارج شد و ایشان بر مصر، سواد، ایران و جزیره‌العرب حاکمیت داشت و

درنتیجه درآمدهای مالی کاهش یافت. همچنین بخش‌های شرقی ایران یعنی خراسان و سیستان نیز دست به شورش زدند و جزیه و خراج این مناطق نیز قطع شد(بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۹).
از حضرت علی(ع) نقل است که جزیه بر کسانی از اهل ذمه واجب است که آزاد، مرد و بالغ باشند و بر کودکان آنها واجب نیست (بروجردی، ۱۴۰۷، ج۱۳: ۲۱۸).
در دوره‌ی امام علی(ع) درهم‌هایی به همان سبک و مضامین قبلی وجودداشت(نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۳) و در سال چهلم هجری، هم سکه‌هایی ضرب شد که تمام آثار غیراسلامی از آن محو شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت اللّه الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و در اطراف آن عبارت محمد رسول اللّه ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، حک شده بود ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه‌های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه‌های قبلی شود(فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷).در دوران خلفای راشدین در برخی دارالضرب‌های ایران مانند اصطخر، نیشابور، بصره، داربگرد، ری، شوش، سیرجان، مرو، نهاوند، هرات و همدان، به نام ایشان سکه ضرب می‌شد(نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲).
با استقرار نظام اموی توسط معاویه حکومت اسلامی که پیشتر جنبه‌ی دینی داشت به‌تدریج به حکومت سلطنتی تبدیل شد و معاویه برای نخستین‌بار به تقلید از پادشاهان، بساط پادشاهی گسترد و اعلام کرد که من نخستین پادشاه عربم(دنت، ۱۳۵۷: ۶۵) و مالیاتی را که مورد تصویب اسلام نبود و قبلا ایرانی‌ها به نام هدایای نوروزی و مهرگان به سلاطین خود می‌پرداختند، دوباره برقرار کرد(جهشیاری، ۱۳۴۸: ۵۳). او به تقلید از نظام دیوانی ایران و روم، تغییرات عمده‌ای در نظام اداری دولت اسلامی ایجاد کرد و دیوان‌های چندی متناسب با اهداف خود پدید آورد علاوه بر این، معاویه به تقویت نیروی دریایی نیز علاقه مند بود(سیستانی، ۱۳۴۶: ۱۱).
او که خود از راه اقطاعاتی که از عثمان گرفته بود املاک زیادی کسب و آن‌را به‌صورت ثروت خانوادگی برای خاندان خود به ارث نهاد در زمان حیات خود به‌عنوان خلیفه نیز اقطاعات زیادی به بنی‌امیه واگذار کرد که تمام آنها به‌صورت املاک شخصی و خانوادگی به وراث آنها منتقل شد (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج۲: ۱۴۵).
اقطاع که از سنن و نظام مالی ساسانی بود در دوره‌ی عربان به این شکل درآمده بود که فرمانروایان تازی گاهی هم‌دست یا زیردست خود را می‌فرستادند و ناحیه‌ای را به ایشان به مقاطعه می‌دادند که در سال مبلغ معینی زر و سیم و کالا برای ایشان به دمشق بفرستند و ناچار ایشان را آزاد می‌گذاشتند که هر چه می‌خواهند انجام دهند و تنها منتظر بودند اموالی را که برعهده‌ی ایشان گذاشته شده بود، روانه کنند. قهرا فرمانروایان، چند برابر آن چه را برعهده داشتند از مردم می‌گرفتند و سهم خلیفه را می‌دادند و بازمانده را خود برمی‌داشتند(نفیسی، ۱۳۴۲: ۱۲۵).
در دوره‌ی او انواع بدعت‌ها و انحرافاتی که دیگر خلفای امویه از آن پیروی کردند، پایه‌ریزی شد و کم‌کم دیوان‌های عریض و طویلی برای ثروت‌های بی‌کرانی که به دست می‌آمد دایر گشت. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۴۷).کار این دیوان علاوه بر رسیدگی به امور مستغلات، عقد قرار دادهای

اجاره و استیفای حقوق دولت بوده است. طبری ضمن برشمردن کاتبان اموی از نضیع بن ذویب، غلام ولید بن عبد الملک، در سمت دبیر مستغلات ولید نام می‌برد(طبری، ۱۳۶۲: ۱۸۱).

یکی از خصوصیات دستگاه مالی امویان این بود که خزانه‌ی دولت، جزء دارایی مردم محسوب نمی‌شد و در واقع، خاص خلیفه و زیرِ نظر مستقیم او بود و او با دستی باز، از آن بذل و بخشش می‌کرد. (امیرعلی، ۱۳۵۹: ۱۹۲)

معاویه پس از آن که آرامش را در قلمرو خود برقرار کرد، به دستگاه مالی توجه خاصی نشان داد و درصدد تقویت بنیه‌ی مالی خود برآمد و به پیروی از سلاطین گذشته در راه افزایش در آمد، گام برداشت و برخلاف روش پیامبر اسلام(ص) و خلفای راشدین، همت خود را صرف امور دنیوی نمود(زیدان، ۱۳۸۹، ج۴: ۶۹۳) در مورد اراضی خراجی گرچه در اوایل حکومت اعراب بر ایران همان مقدار خراج دریافت میشد ولی به تدریج، میزان خراج افزایش پیدا کرد و به روزگار امویان، ظاهرا علاوه بر آن که مالیات‌های جدیدی وضع شد، بر میزان مالیات‌های موسوم ازجمله خراج، افزوده شد، زیرا امویان از همان آغازین سال‌های حکومتشان، سیاست افزایش مالیات را در پیش گرفتند و با عدم رعایت اصول گذشته که خلفای راشدین در پیش گرفته بودند بر میزان مالیات‌ها افزودند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲۲۳)

سکه‌های اصلاح‌شده‌ی عبدالملک‌بن‌مروان، پنجمین خلیفه‌ی اموی را سکه‌های اسلامی می‌نامند که به جای تصاویر انسان و نشانه‌های مذهبی غیر، نوشته‌های عربی با متون مذهبی اسلامی مثل سوره‌ی توحید به خط کوفی در متن سکه و در حاشیه‌ی آن سوره‌ی توبه ضرب می‌شد. این سکه‌ها بدون نام خلیفه بودند و تنها از روی تاریخ ضرب، به زمان آنها می‌توان پی برد (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۱۵)

در دوره‌ی اموی دینارهایی با اسامی متفاوت، برحسب مکانی که در آنجا ضرب شده بودند و یا افرادی که آن‌را ضرب کرده‌اند، نامگذاری می‌شوند مثل دینار دمشقی: دینارهایی که در ایام عبدالملک بن مروان در سال ۷۴ ه.ق در دمشق ضرب می‌شد(حسینی‌مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

عبدالملک، اصلاح درهم را به حجاج بن یوسف ثقفی، والی خود، در عراق واگذار کرد و برای این کار، طرح و نقشه‌ی سکه‌ها را برای او فرستاد و به حجاج فرمان داد درهم‌هایی به وزن ۱۵ قیراط از نوع قیراط دینار ضرب کرد(بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۹). هر ده درهم نقره‌ی اسلامی برابر با هفت مثقال طلا بود(اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

طرح و نقش درهم‌های عبدالملک به این شکل بود که در یک طرف آنها مانند دینارها «لااله‌الاالله‌وحده‌لاشریک‌له» به‌همراه مکان ضرب سکه و در سمت دیگر آن سوره‌ی توحید و آیه‌ی بیستم سوره‌ی یوسف حک می‌شد(فهمی‌محمد، بی‌تا: ۳۳۰).

سکه‌شناسان اصلاح درهم توسط عبدالملک‌بن‌مروان را به سال ۷۹ هجری می‌دانند (فهمی محمد، بی‌تا: ۵۱).

همان‌طور که گذشت، حجاج بن یوسف که از والیان اموی بود خود اقدام به ضرب سکه نمود. روایت است که حجاج برآن شد که بداند پارسیان در ضرب درهم چه‌کار می‌کردند پس خود دارالضربی

درست کرد و سکه‌زنان را در آن گرد آورد و به نام مرکز خلافت از مالی که در خزانه داشت سکه ضرب می‌کرد. (شمس‌اشراق، ۱۳۶۹: ۳۶).

نتیجه گیری

درواقع ایران در دوره‌ی ساسانی از اقتصادی شکوفا و سازمان‌یافته برخوردار بود که برای تنظیم درآمدهای حاصله، دارای سازمان‌های منسجم و کارآمدی بود و البته از یک نظام طبقاتی بسیار گسترده پیروی می‌کرد که در رویارویی با اعراب و حتی با پذیرش اسلام در همان جایگاه پیشین خود باقی ماندند، به‌ویژه طبقه‌ی کشاورزان و دهقانان که از عوامل مهم اقتصادی بودند. به این ترتیب که کشاورزان دارای زمین با حفظ مالکیت اراضی خود، همچون گذشته موظف به پرداخت عواید حاصل از زمین خود در قالب مالیات و خراج شدند و همان‌طور که گفته شد از آنجا که اعراب با روش مالیات‌گیری آشنا نبودند دهقانان را که از قبل مسئول جمع‌آوری خراج اراضی کشاورزی بودند و با میزان خراج هر منطقه آشنایی داشتند بر کار سابق خود ابقا کردند که این وظیفه‌ی اقتصادی را اکنون برای حکام تازه انجام دهند.

جایگاه دهقانان در دوره‌ی اسلامی تقریبا دست‌نخورده باقی ماند و از همان آغاز فتوحات مسلمانان، نماینده‌ی حکومت جدید بودند و کار عمده‌ی ایشان در قریه‌ها جمع‌آوری خراج و تحویل آنها به بیت‌المال یا عمال عرب بود و درواقع، نماینده‌ی بیت‌المال مسلمان محسوب می‌شدند و شاید عمده‌ترین کاری که به ایرانیان واگذار شده بود، همین وصول مالیات بوده است، چنان که گاهی یک نفر ایرانی متصدی جمع‌آوری خراج منطقه‌ای بزرگ می‌شد.

ایرانیان هم در امور اداری و هم در امور اقتصادی به نوعی برتری بر اعراب رسیدند و در کار کتابت و دیوانی به‌علت بی‌بهره بودن اعراب از حساب و کتاب، امور را در دست گرفتند. در خصوص کارهای مملکتی و جمع‌آوری خراج و مالیات و جزیه نیز گفتیم که کشاورزان و دهقانان و به‌ویژه دهقانان بودند که چون از اول دارای زمین بودند و با خراج آشنایی داشتند خراج سالیانه را به همان نحو جمع‌آوری و تامین می‌کردند که بخش بزرگی از درآمد خلفا و حکام عرب بود.

درمجموع سلسله‌ی ساسانی از نظر سامان‌دهی نظام مالی و بحث مالیات و دارایی‌ها و دفتر و دواوینِ مربوط به آن دارای سیستم عریض و طویل و درعین‌حال منظمی بود که بسیار مورد تقلید عرب‌ها و حاکمان آن در دوره‌ی اسلامی قرار گرفت و درواقع در دوره‌ی اعراب سازمان‌های مالی ایران تقریبا به همان وضع پیشین باقی ماند چراکه بعد از آن‌که اموال زیادی به دست اعراب افتاد و در تقسیم آن عاجز ماندند به تقلید از دیوان‌های ایرانی نظام دیوانی تاسیس کردند. دیوان‌های این دوره همان دیوان‌های دوره‌ی ساسانی بود با اندکی تغییر به‌ویژه در اسامی آنها، اما همان وظایف پیشین را دنبال می‌کردند.

ورود اعراب به ایران تنها نظم سیاسی پیشین را بر هم زد و نظام اقتصادی و عمال اقتصاد همچنان بر همان منوال سابق باقی ماندند. ایرانیان در این دوره در سیاست دستگاه اموی نقش قابل‌توجهی

نداشتند اما در اقتصاد آن نقش مهم و البته سازنده‌ای را ایفا می‌کردند که شاید بتوان گفت همین نقش آنها در امور مالی بود که دوام نظام سیاسی اموی را نیز در پی داشت.

شیوه‌ی حکومت‌داری خلفای اموی با دوره حکومت نبوی و خلفای راشدین متفاوت بود و حکومت آنها مبتنی بر اشرافیت بود؛ تا جایی‌که معاویه نام بیت‌المال را به خزانه تغییر داد تا تسلط حکومت بر بیت‌المال را رسمیت بخشد. طبیعی است که چنین حکومتی که اینک ایران، شمال آفریقا، ماوراءالنهر و...را دراختیار داشت برای پیشبرد اهداف خود به کسب ثروت نیاز داشت و این ثروت را باید از کشورهای مفتوحه کسب می‌کرد. حاکمان اسلامی این دوره نیز در کشوهای مفتوحه ازجمله ایران به نظام مالیی برخورد کردند که بسی پیچیده‌تر و منظم‌تر از نظام مالی آنها بود و عوایدی را نصیب دستگاه خلافت می‌کرد که خلفا را ترغیب به بکارگیری این نظام مالی می‌کرد. درواقع امویان به ایرانیان تکیه داشتند و زراعت، جمع‌آوری مالیات، بازرگانی و صنعت، همه در دست ایرانیان بود.

خلفای اموی که حکومت خود را بر ثروت و تجمل نهاده بودند برای رسیدن به اهداف مالی خود از اشخاص کاردان و متصدیانی برای وصول مالیات استفاده می‌کردند که این اهداف را برآورده سازند حتی اگر گاهی این برآوری خواسته بدون توجه به مسائل شرعی انجام می‌شد و بر مقدار آن بدون حساب و کتاب‌های مجاز دینی افزوده می‌شد.

از موارد امور اقتصادای و مالی و دارایی که از ساسانیان به دوره‌ی اسلامی منتقل شد بسیار نمونه می‌توان آورد، ازجمله: زمین‌های اقطاعی که نوعی از زمین‌ها بود که به آن مالکیت اقطاع‌داران یا تیول‌داران گفته می‌شد که معمولا حاصل بخشش موقت یا دائمی شاه به بزرگان یا سپاهیان بود در برابر خدمت یا شرایطی خاص. اقطاع به‌معنی واگذاری زمین و نیز به‌معنی بخشیدن حاصل و عواید آن بود. این نوع از دارایی از زمان عثمان به دستگاه اسلامی وارد شد.

همچنین از دیگر درآمدهای ساسانیان علاوه بر مالیات ارضی و سرانه و غنائم جنگی و معادن و گمرک، هدایایی بود که در نوروز توسط هدیه‌دهندگان و در دیگر اوقات سال توسط حاکمان و ثروتمندان به شاه داده می‌شد که عینا در زمان امویه و مشخصا از زمان معاویه به دستگاه اسلامی انتقال یافت.

منابع و مراجع

آلتهایم، فرانتس؛ استیل، روت؛ گوبل، روبرت(۱۳۸۲) تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه‌ی هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

ابراهیم حسن، حسن(۱۳۹۵). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه‌ی جاویدان.

ابن‌خرداذبه، (۱۳۷۰). المسالک و الممالک، ترجمه‌ی حسن قره‌چانلو، بی‌جا.

ابن‌خلدون، عبدالرحمن(۱۳۶۳). تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه‌ی عبذالمحمد آیتی، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

اشپولر، برتولد(۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، تهران، علمی و فرهنگی.

امیرعلی، (۱۳۵۹). تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی محمود فخرداعی، تهران، گنجینه.

انصاف پور، غلامرضا(۱۳۵۶). ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغولان، تهران، امیرکبیر

بروجردی، حسین(۱۴۰۷ق)جامع الاحادیث شیعه، بی جا

بریان، پیر(۱۳۸۱)تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ترجمه ناهید فروغان، تهران، توس

بهدادی میر، نیما(۱۳۸۹)هدفمند کردن اقتصاد در آیینه حکومت علوی، اقتصاد، شماره ۸

بلاذری، احمدبن یحیی(۱۳۳۷). فتوح‌البلدان، ترجمه‌ی محمدبن‌توکل، تهران: نقره.

پیگولوسکایا، ن.و(۱۳۵۳). تاریخ ایران. ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، نشر پیام

حسینی‌مازندرانی، سیدموسی(۱۳۸۲). العقدالمنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر، بی‌جا

جعفریان، رسول(۱۳۶۸). تاریخ سیاسی اسلام، قم.

جهشیاری، عبدالله(۱۳۴۸). الوزراوالکُتاب، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، (بی‌جا).

خزائی، زینب؛ یزدان‌پور، مرجان(۱۳۹۴). مالیات‌هایی اسلامی و جایگاه آن در تامین منابع مالی. مجله‌ی اقتصادی، ش۳و۴

دریایی، تورج (۱۳۸۳). ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه‌ی محمود فاضلی، تهران، نشر پارسه

دنت، دانیل (۱۳۴۵). جزیه در اسلام، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، سروش.

دنت، دانیل (۱۳۵۷). مالیات سرانه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.

دینوری، ابوالحنیفه (۱۳۶۶). اخبارالطوال، ترجمه‌ی محمود مهدوی‌دامغانی، تهران، نی

الریس، ضیاءالدین (۱۳۷۳). خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه دکتر فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.

رفیعی‌محمدی، ناصر (۱۳۸۴). پژوهشی در بیت‌المال (قسمت اول)، فصلنامه‌ی فرهنگ جهاد، شماره‌ی ۴۱-۴۲.

زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۷۷). تاریخ مردم ایران، تهران، امیرکبیر.

زیدان، جرجی(۱۳۸۹). تاریخ تمدن دراسلام، ترجمه‌ی علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر

سامانی، سیدمحمود(۱۳۸۴). دستگاه مالی امویان با تکیه بر قلمرو شرقی خلافت، مجله‌ی علمی‌پژوهشی تاریخ اسلام در آیینه‌ی پژوهش، شماره‌ی ۶.

سامر، فیصل(۱۳۹۱). دولت حمدانیان، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی‌قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
سرفراز، علی‌اکبر؛ فیروزمندی، بهمن(۱۳۹۱). باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران، مارلیک،
سیستانی، محمداعظم(۱۳۴۶). اوضاع اقتصادی سیستان، مجله آریانا، ش ۲۷۲.
شمس‌اشراق، عبدالرزاق(۱۳۶۹). نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان، دفتر خدمات فرهنگی استاک
طبری، محمدبن جریر(۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
فرازنسب، رضا؛ رحیمی، کاظم؛ احمدی، زهرا؛ عابدی، عباس(۱۳۹۸). تحلیلی بر ضرب سکه‌ی مستقل اسلامی در عصر امویان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره‌ی ۵۰.
فهمی‌محمد، عبدالرحمن(بی‌تا). فجرالسکه‌العربیه، بی‌جا
قاسم‌بگلو، مرتضی(۱۳۸۵). سکه‌های سیراف، تهران، موسسه‌ی مطالعات بوشهر.
کریستن‌سن، آرتور(۱۳۱۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، نشر نگاه.
گولد، جولیوس، کولب، ویلیام(۱۳۸۴)فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مازیار
گیزلن، ریکا(۱۳۸۱). سکه‌ی مسی عرب، ساسانی، ترجمه‌ی سیروس نصرالله‌زاده، تهران، کتاب ماه.
محمدی‌ملایری، محمد(۱۳۷۵). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از ساسانی به اسلامی، تهران، توس.
محمدی، سپهر(۱۳۹۰). نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دولت خلفا، فصلنامه‌ی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.شماره‌ی ۵.
مقدسی، ابوعبدالله(۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم، تهران، شرکت مولفان و مترجمان
میر معزی، سیدحسین(۱۳۸۰)امام علی (ع) و اصلاحات اقتصادی، کتاب نقد، شماره ۱۹
نفیسی، سعید(۱۳۴۲). تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اسلامی.
نقشبندی، محمود(۱۳۶۹). درهم‌های عرب‌ساسانی، ترجمه‌ی امیر شاهد، اصفهان، فیروز
یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب(۱۳۷۴). تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.دانش‌نامه‌ی جهان اسلام
یوسفی، احمدعلی(۱۳۸۰). تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۲
پول و نظام های پولی(بی تا، بی جا)قم، حوزه علمیه قم.(این کتاب مرجع است و در هر جایی هم با اسم کتاب رفرنس داده می شود چون مولف بخصوصی ندارد.